

آزاده جهان آرا

آزاده جهان آرا متولد سال ۱۳۵۸ همدان

فارغ التحصیل رشته مجسمه سازی دانشگاه هنر تهران و صنایع دستی دانشگاه علم و هنر یزد در مقطع کارشناسی ارشد. تحصیل دوره زبان و هنر در ایتالیا، زندگی و تجربه کار دیزاین در کشور اندونزی و نیز ارائه اثر مجسمه-فشن در نمایشگاه "باغ ایرانی" در شهرهای کیوتو، توکیو و موزه مُد کوبه در ژاپن، همچنین طراح لباس اورینگامی در پروژه "سفید و سیاه" ارائه شده در سمینار بین المللی هند که بخشی از تجربیات بین المللیمن به حساب می آید. اکنون مدیر بخش بین الملل "هفتمین دوسالانه ملی مجسمه سازی تهران" هستم. همچنین سمت دبیر کل "نخستین جشنواره تخصصی و ملی دوخت های سنتی" برگزار شده در فروردین ۹۶ در موسسه کتابخانه و موزه ملی ملک تهران را نیز بر عهده داشته ام. تدریس در دانشگاه هنر تهران و نیز همکاری با بخش پژوهشی آن در چندین طرح پژوهشی جهت تدوین دروس مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد از دیگر تجربیات من است.

آنچه که مرا بدین پروژه جذب کرد، اتفاقی بود که در نهایت به دعوت به این فراخوان منجر شد و مرا در مسیری قرار داد که باید با تمام وجود بر موضوع صلح و در نهایت طراحی "جامه صلح" تمرکز می کردم.

بار معنایی این کلمه در حدی بود که ترجیح دادم تمرکز خود را بر روی آن گذاشته و یکی از لباس های خود را بر این اساس طراحی کنم.

اولین بار درباره ی تاثیر کلمات با بار مثبت و منفی بر روی بلور یخ، از طریق تحقیقات پروفیسور ماسارو ایوتو، محقق ژاپنی آشنا شدم که معتقد بودند مولکول های آب در مقابل کلمات و افکار انسان ها سریعاً عکس العمل نشان می دهند. بطوریکه کلمات با بار معنی مثبت باعث زیبایی آنها و کلمات با بار معنی منفی، باعث نازیبا شدن بلورها می شوند.

بر این اساس کلمه ی صلح که خود دارای بار مثبت و عمیقی است به اندازه ی همه وسعت جهان را بر روی شل بدون برش و شیشه ای خود و به زبان های رایج دنیا حک نمودم تا با بر تن کردن آن تمام مولکول های آب جاری در رگ ها ی بدن که خود حدود ۷۰٪ بدن را شامل می شود به شکل زیبا و صلح آمیز در آورد.

شیشه ای بودن این لباس به جهت اشاره به شفافیت و فرانمایی، مفهومی فلسفی است که برپایه ی گشودگی حجاب بین درون و بیرون به نشانه ی یکسانی باطن و ظاهر بکار برده شده است و نیز نقشه ی جهان ترسیم شده بر آن بیان کننده ی آن است که همه ی ما در سراسر دنیا در برقراری صلح نقش داریم.

در لباس دوم فلسفه ام نگاهی مفهومی به لباس رزم بوده است، لباس رزم یا زره که همیشه به عنوان پوششی که جهت حفاظت از سربازی که در میدان جنگ آن را می پوشد و از توری فلزی زمخت ساخته می شد.

برای من این لباس می تواند حاوی پیامی با مضمون صلح باشد و به عبارتی لباس رزم می تواند خود پیام آور صلح باشد. به همین منظور این لباس را با نقشمایه های هندسی که بر گرفته از معماری و هنرهای سنتی بر گرفته از فرهنگ کشورم ایران است و با تکنیک اوریگامی که فلسفه ی بدون برش بودن و رسیدن از سطح به حجم را دارد، آذین کرده ام. خورشید به عنوان سمبل صلح که بی منت بر همه چیز می تابد. در پشت لباس بال های پرنده ی صلح بر روی شانه ها و نقوش گل های هفت پر لوتوس که معمولا بر لباس سربازان هخامنشی نقش می بسته است پیام صلح مرا بر این لباس حک کرده اند. لباسی که با توری فلزی اما با لطافت بیشتر به دلیل حذف خشونت و به رنگ طلایی کار شده است.

این طراحی ها یک رقابت قانونمند و با قاعده است که بر ادامه ی بهبود مستمر اخلاق و رفتار ما با صلح پایه نهاد شده است و جنبه ی دیگری از نگاه به فرهنگ لباس را نشان می دهد که با تکیه بر اندیشه ی لباس های مفهومی کار شده است، با این هدف که بگوییم صلح باید از خود ما شروع شود، با صلح درونی خود و با پیامی که بر پوسته ی دوم ما یعنی لباسی که بر تن می کنیم نقش می بندد، به صلح جمعی و در نهایت صلح جهانی دست یابیم.



صونا قائم

صونا قائم هستم. متولد سال ۱۳۵۴ در تهران نقاشی را از شانزده سالگی در محضر اساتید به نام آموختم و تحصیلات دانشگاهی ام را که مرتبط به نقاشی نبود، در نیمه راه رها کردم.

بیست و یک سالگی مادر شدم و همچنان نقاشی می کردم. بیست و چهار سالگی مادر دو بچه ی نازنین بودم و وقت برای کار دیگری جز مادری نداشتم. بعد از شش سال وقفه توانایی همزمانی مادری و دنیای حرفه ای نقاشی در من نبود و خلق همراه هر شب و روزم، پس شروع کردم به آموختن طراحی پارچه، که زنانه تر می دانستم و کمک می کرد هم بتوانم خلق کنم و هم بتوانم موثرتر در کنار خانواده ام باشم. از میانه ی راه طراحی پارچه، بافت، طراحی بافت، دوخت و ... را هم تجربه کردم و آموختم و تا به امروز که تحقیق، پژوهش و تدریس هم به مجموعه ی داشته هایم اضافه شده.

فراخوان صلح برایم به حجتی می ماند بر جای خالی صلح درونی: صلح با خود و با این پیرامون بی پایان.

چیدمانی با دستگاه بافت با تاکید بر مسیر خلق

ظرف سفالی آبی با گلوله های رنگین نخ و میوه ی به

و یک صندوق قدیمی:

جامه ای نمادین را در دل یک صندوق بر روی یک تکه چوب قرار داده ام، درون صندوق را مخمل آبی فیروزه ای به نشانه ی آب انتخاب کردم و قایق کوچکی به منظور اشاره بر مهاجرت در میان آن نشاندم. جامه پارچه ایست دستباف با تار و پودی از الیاف طبیعی از دل خاک و به رنگ خاک:

در سمت چپ اثر پودها که شاخه های خرما هستند، مقاوم و انعطاف پذیر، در میان آن شاخه های اسطوخودوس به نشان صلح، و شاخه ی انار به نشان نعمت، نقش یک بال را ایفا می کنند و تارهایی بافته شده و از هم رها در ادامه ی بال که ویرانی جنگ را به رخ می کشند و در ادامه به هم پیوند می خورند و به صلح می رسند.



عرفان اسکمایی

(متولد تهران / ۱۳۶۴)

عکاس، طراح و تصویرگر هستم؛ فعالیت‌های هنری خود را از مدرسه هنر و ادبیات صدا و سیما و فعالیت‌های حرفه‌ایم را از سال ۸۶ آغاز کردم. علاقه‌ی من به طراحی و تصویرسازی مُد و لباس باعث شد تا در ادامه با گذراندن دوره‌های فشن، فعالیت‌هایم را در زمینه‌ی عکاسی و طراحی مُد دنبال کنم. آثار من تاکنون در بیش از ۱۰ نمایشگاه و جشنواره داخلی و خارجی به نمایش درآمده است و از سوابق اجرایی من می‌توان به مدیریت بخش هنری موزه صلح تهران و چند پروژه مستقل هنری اشاره کرد. من از ابتدای سال ۹۶ با ماهنامه صنعت مُد و لباس نیز همکاری می‌کنم.

بر خلاف جنگ‌هایی که غالباً با پیچیدگی‌ها و هزینه‌های فراوان شکل می‌گیرد، صلح به سادگی یک لبخند، دست یافتنی است. برپایی نمایشگاه جامه صلح برای من با لبخند و روی خوش عوامل محترم برگزاری آن آغاز شد.

طرح پیشنهادی من در مسیر خود از ایده تا اجرا با تغییرات متعددی همراه بود و در نهایت جامه‌ای شد که با نادیده گرفتن مرزبندی‌های متعارف در تفکیک "هنر برای صلح" و "هنر ضد جنگ" به بیان دیدگاه شخصی‌ام می‌پردازد. در نگاه من می‌توان در هر لباس به صلح اندیشید، حتی در لباس رزم. آنجا که صلح با نشان سازمان ملل متحد در مناقشات بین‌المللی و به منظور برقراری صلح مداخله می‌کنند، و فراتر از آن در سرزمین ما، همواره دلیرانی بوده و هستند که در لباس رزم و با گذشت از خود، امنیت و آرامش را به ارمغان آورده‌اند. از این رو چیدمان اثر به گونه‌ای است که تا امکان فضایی را تداعی کند که شرایط را آبستن ورود به هر وضعیتی نشان دهد.



سید مریم حسینی

متولد تهران، ۱۳۷۰ هستم.

من ابتدا رشته ی مدیریت بازرگانی را برای ادامه تحصیل انتخاب کردم، اما پس از گذراندن دوره ای از این رشته مسیر زندگی ام تغییر کرد. بعد از گذشت سالها توانستم در رشته ی مورد علاقه ی کودکی ام فعالیت های خودم را ادامه دهم. من هم اکنون هنر جوی طراحی لباس در مجتمع فنی تهران هستم و همچنین در یک تیم طراحی مد در حال طراحی لباس و اکسسوری است. به نظر من صلح نشات گرفته از آرامش درونی است.

آرامشی که مهارکننده ی تمام احساسات تخریب کننده است، احساساتی که به واسطه ی آن قرنهای زندگی انسانهای بی شماری را تحت تاثیر قرار داده است.

اینکه من توانستم با پروژه ی جامه ی صلح آشنا شوم فرصتی شد تا احساسات و دیدگاه خود را در شکل و قالب جامه صلح نشان دهم.

جامه ای که اساس طراحی آن عشق به هم نوع و غیر هم نوع است، اینکه بتوانیم با ابراز عشق و احساسات عمیق قلبی صلح را از درون خود آغاز کنیم.

و از نظر من با وجود جنگها و خشونت های جوامع بشری امروز، صلح مانند انسان خواب آلود و بیماری است که برای بیداریش احتیاج به ندای درونی و تلنگر دارد.

دیدگاه دیگر من نسبت به این طرح انتقال حس هم زیستی و وابستگی انسانها به یکدیگر است. پازل گونه بودن بخشهای مختلف این لباس نشان دهنده ی آن است که اگر بخشی حذف شود در طرح روی جامه خلل ایجاد می شود و دچار نقص می گردد. دقیقاً مانند انسانها که همچون اعضای یک پیکر کنار هم زندگی می کنند.

که در آفرینش ز یک گوهرند

بنی آدم اعضای یک پیکرند

دگر عضوها را نماند قرار

چو عضوی به در آورد روزگار



بنفشه مقدم

متولد تهران ۱۳۵۴ هـ.م.

کارشناس طراحی و چاپ پارچه از دانشگاه هنر سال ۱۳۷۹

کارشناس ارشد هنرهای کاربردی از دانشگاه مارک بلوک، فرانسه ۲۰۰۵ و عضو هیات علمی دانشگاه هنر از سال ۱۳۸۵ تا کنون هستم.

در اولین دو سالانه طراحی پارچه و لباس موزه هنرهای معاصر تهران ۱۳۸۶ شرکت داشتم.

مدرس زبان فرانسه از ۲۰۰۱ تا کنون و مدرس و آماده سازی تیم ملی ابیلمپیک ایران در رشته نقاشی، هشتمین المپیاد جهانی قابلیت ها، مسابقات فنی و حرفه ای ویژه افراد دارای معلولیت، مجتمع توانبخشی رعد و انجمن باور از سال ۱۳۹۰ تا کنون. و عضو گروه علمی پوشاک ایرانی- اسلامی و هنرهای وابسته، فرهنگستان هنر از سال ۱۳۹۱. مدرس گروه طراحی پارچه و لباس دانشگاه علم و فرهنگ در سال تحصیلی ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ بوده ام.

" صلح " مفهومی است که در طول سالهای زندگی بشر، همواره توسط انسان جستجو شده، زیرا همیشه افرادی هستند که با زیاده خواهی هایشان، عرصه را برای دیگران تنگ کره و مانع از حضور با آرامش و امنیت در دنیا شده اند.

آرزوی رسیدن به صلح و تلاش برای دستیابی به آن نیز در زندگی انسان، نمودهای مختلفی دارد که گاه به هنرمندان انگیزه خلق آثاری با بیان خاص هنر می دهد.

گروه حاضر نیز در پی انتخاب از بین شرکت کنندگان در فراخوان جامه صلح، شکل گرفته است و آثار نهایی حاصل " تفکر " هر یک از شش نفر و دیدگاه آنها نسبت به مفهوم صلح است که در قالب هنر پوشیدنی به معرض نمایش گذاشته شده.

هنر پوشیدنی، شاخه ای از بیان هنری است که به صورت پوشاک (که حتی گاهی قابل استفاده نیستند) به جامعه عرضه می شود. خلق آثار بدین گونه، از این روست که پوشاک، نزدیک ترین عضو به بدن انسان است و قابل لمس برای همگان.

البته این نوع ارائه هنری، در سالهای اخیر در حال شناخته شدن در جامعه ایران است و نظر مخاطبین بیشتری را به خود جلب می نماید.

جامه صلح:

۱- لباس خاکستری و آبی:

در مورد نبود صلح (غیبت صلح) است.

رنگ خاکستری و تصاویر انتخابی که شامل نقاشی مردمی که از روی قاره ها فرار می کنند و به اقیانوس ها سقوط می کنند و نشان از موج عظیم مهاجرت پناهجویان در سالهای اخیر دارد و ثمره جنگ های پی در پی در اقصی نقاط

دنیاست و نیز تصویر خانمی که لباس شبه نظامی با قطار هویج (به جای فشنگ) دارد، گویای جستجوی انسان‌ها برای رسیدن به آرامش و امنیت است. عناصری که در جهان امروز کمتر دیده می‌شوند.

آرزوی انسان هاست که به جای سطح، اشیاء بی‌خطری را ببینند (اشاره به قطار هویج در عوض فشنگ).

رنگ آبی قسمت پایین لباس نیز، نشان از آرامشی دارد که همگان آرزوی دستیابی به آن را دارند.

۲- لباس سفید با حمایل پوشیده از نقش پر:

تجسم کلمه صلح برای من در این لباس متجلی شده است: آزادی، رهایی، سبکی، شفافیت، چرخش در نسیم، و انتخاب

نقش پر، به یاد پرنده‌گان آزادی است که سفیران صلحند (کبوتران)

۳- پیراهن سفید بلند با نقش پرنده:

همچون لباس پیشین، این پیراهن نیز تجسم رهایی و آزادی و سبکی و خلوص صلح است. برای بنده نقش شماتیک پرنده نیز برگ

زیتون نمادینی که به تیرگی گراییده را در منقار دارد که نشان از آلودگی فضای دنیاست (یعنی حتی صلح و نماد آن نیز بی‌آسیب

نمانده اند)

۴- بلوز و شلوار سفید

این لباس حالت اسپرت تری دارد به نسبت ۳ لباس دیگر تداعی‌کننده قشر جوان تر است، که به همراه کفش‌های کتانی گل‌آلود

روبروی آن، نماد جوانانی است که در انقلاب شرکت کردند و با وجود تفاوت عقاید و باورهایشان در تجمعات خیابانی، با یکدیگر در

صلح بودند، چون هدف یکسانی داشتند. این لباس جهت‌نمایش مفهوم صلح در آن لحظات است.

پ.ن: وجود اشیاء نمادین دیگر نظیر آتش‌گردان پر از گل و مجسمه‌های کبوتر سفید نیز، اشاره به آرزوی وجود صلح در جهانی

ملتهب است.

دو کتاب نیز به صورت باز به همراه یک ذره بین در مقابل لباس‌ها قرار داده شده‌اند، بر روی صفحه یکی از کتابها، خورشید

درخشانی نقش بسته که حاصل تفکرات هنرمندی المانی نسبت به اشعار حافظ است که در کتابی تحت عنوان "کرنش حافظ"

گردآوری شده است. این خورشید سمبل روشنائی و آرامش و گرمای زندگی است.

بر صفحه کتاب دیگر، نقشه‌ای است که اگر با ذره بین به آن دقت کنید، تمام رودخانه‌ها، شهرها و مکانها با کلمه "گمشده"

مشخص شده‌اند، در واقع این کلمه یادآور مفهوم سرگردان و گمشده صلح در جهان امروز است.

